

**نویسنده :** مرکواندی پیت (Marc Vandepitte)

**منبع و تاریخ نشر :** گلوبال ریسرچ «2020-08-10»

**برگردان :** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[ 85 ]-----

## کرونا و پایان عصر نیولیبرال

### Corona and the End of the Neoliberal Era?



آنها برای مدت «40 سال دگمهای نئولیبرال (جزم اندیشان نیولیبرال) خود را به سمت ما سوق دادند. بحران مالی اعتقاد جدی را به آن اعتقادات تکان داد، اما در نهایت این سیستم زنده ماند. این بار اوضاع متفاوت است. بحران ناشی از (کرونا) و اقدامات اجتماعی اقتصادی برای صرفه جویی در سیستم باعث شده است خشک اندیشان نئولیبرالی یک کشته شود. زمان زیادی برای چیز جدید است.

**جزم اندیشان در حال سقوط:**

ما بالاتر از حد و هدف خود زندگی میکنیم؛ متاسفانه در اینجا پولی زیادی وجود ندارد. آنها از سالها به اینطرف بیاآمخته اند که مراقبت های صحیحی گران و پرهزینه بوده؛ مزایای بیکاری بیش از حد سخاوتمندانه و دستمزدها خیلی بلند و زیاد بوده؛ پس به این منوال پول و یا بودجه برای خدمات اجتماعی و یا فرهنگی وجود ندارد؛ قروض و کسر بودجی دولت باید تا حدی ممکن پابین نگهداشته شود پس به همین دلیل هزینه ها برای همه چیزها و خدمات کم و در حال کاهش است.

اما چنین به نظر میرسد که پول واقعی در طول شب وجود دارد؛ چونکه آنها گلدانها غول پیکر مملو از پول را پیدا کردند؛ امروز آنها میلیاردها یورو خرچ میکنند؛ آنطوریکه گویی آنها در حال تهیه آب نبات هستند؛ کسری دولتی که بیش از سه برابر معیارهای (3) درصد **ما ستریخت** (پول واحد اروپا یعنی یورو که در شهر ما ستریخت واقع در

هلند به توافق کشورهای اروپایی پذیرفته شد) یا نسبت بدهی بالاتر از (100) درصد تولید ناخالص داخلی باشد؛ ناگهان همه امکان پذیر است.

**«بازار آزاد همه چیز را حل می کند. دولت ناکا رآمد است.»**

بادر نظر داشت ما نترا (سحروجا دو بنا بر اعتقادات مذهبی مردم هند) همه چیز را تا حد ممکن خصوصی سازی و مقررات زدایی کنید. نقش دولت باید تا حد امکان کاهش یابد و اجازه دهد تا در هرچه ممکن است دخالت صورت گیرد. [من] به قول بارت د وور (Bart De Wever)، سیاستمدار ملی گرا بلژیکی: "دولت هیولائی است که پول می خورد و پول می کند".

بازار کاملاً در جریان بحران کرونا و سخت شکست خورد. این مسئله کاملاً واضح و چشمگیر در ماسک های دهان و تجهیزات محافظت شخصی دیده می شد. در مقابل، ما شاهد بازگشت چشمگیر و توانبخشی دولت عمومی بودیم. برای همه آشکار شد که فقط دولت می تواند بحران به این بزرگی را مدیریت و غلبه کند. بخشهای عمده اقتصاد بدون هیچ مشکلی کاملاً یا جزئی از ملی شدن بودند. به گفته وال استریت ژورنال، محرک اقتصادی در ایالات متحده "بزرگترین قدم به سمت یک اقتصاد برنامه ریزی شده مرکزی است که آمریکا تا کنون برداشته است".

**سرمایه و کارآفرینی رونق ایجاد می کنند.**

این کارآفرینان هستند که ثروت ایجاد می کنند. با تشکر از سرمایه، جسارت و نوآوری آنها، اشتغال ایجاد می کنند و ثروت یک کشور را افزایش می دهند.

قرنطین در کشورهای مختلف نقطه مقابل را در همه جا آشکار کرده است، یعنی کار نیروی کار در حال تولید ثروت است. هنگامی که بخشی از جمعیت فعال «کارگران» مجبور به توقف کار شدند، رشد اقتصادی رو به زوال قرار گرفت. این کار است که باعث ایجاد سرمایه میشود و نه برعکس. قرنطین نشان داد که اغلباً اساسی ترین مشاغل است که کمترین دستمزد را دریافت می کنند.

**آنچه برای ثروتمندان خوب است برای همه خوب است.**

دقیقاً به این دلیل که ثروت توسط سرمایه و کارآفرینان ایجاد می شود، پس مطمئناً باید از آنها چشم پوشی کنیم؟ اقداماتی که به نفع کارآفرینان و درآمد بالا (هدایای مالیاتی، یارانه دستمزد، کمک های دولتی و...) افزایش می یابد، باعث افزایش سرمایه گذاری و ایجاد شغل می شود. مزیت آنها سرانجام کم می شود. این تأثیر به اصطلاح ترفند بهانه ای برای توجیه سیاست متنا سب با ثروتمندترین «1» درصد بود.

**کرونا خطای این استدلال را افشا می کند.** در واقع، به لطف اقدامات حمایتی، افراد

ثروتمند پیشرفت چشمگیری داشته اند. از «18» مارس، میلیاردرها در ایالات متحده

شاهد افزایش ثروت آنها با یک پنجم یا « 565 » میلیارد دلار بودند. (JPMorgan)، بزرگترین بانک در ایالات متحده، بالاترین گردش مالی سه ماهه خود را تاکنون گزارش داد. شرکت سرمایه گذاری گلدمن ساکس رشد « 41 » درصدی را نسبت به سال گذشته ثبت کرده است. با این حال، در مورد اثر پایین آمدن، شواهد کمی وجود دارد. صدها میلیون نفر در سراسر جهان به فقر شدید فرو رفته اند. در داخل کشور، تعداد افرادی که به بانک های مواد غذایی مراجعه می کنند، قیمت ها « 15 » درصد افزایش یافته است و این فقط آغاز وضع است

### ما همه خودخواه هستیم."

انسان توانایی خوبی دارد، اما به طور طبیعی او بد است. او در درجه اول به دلیل علاقه شخصی هدایت می شود. « معلمان نتولیرال دهه ها ست که به ما می آموزند. در نهایت، آنها معتقدند که این سودمند است زیرا منافع شخصی منجر به رقابت می شود این همان چیزی است که اقتصاد ما را به جلو سوق می دهد.

همبستگی خود بخودی و گسترده ای که در طول روند بحران ناشی از «کرونا» در سراسر جهان گسترش یافت؛ بر این نگرش بد بینانه ای از بشریت که کسی به کسی کمک نمی کند خط بطلان کشید؛ هزاران جوان برای همسایگان سالخورده خود اقدام به تهیه مواد غذایی کردند؛ هزاران دواطلب ما سک پوشیدند؛ پرستاران از بیماران خطرناک خود با خطر انداختن صحت و سلامتی خود به مراقبت پرداختند یا به عبارت دیگر یقیناً در اینجا گروه ویالروپی وجود داشت که آنها در مورد تا مین مصونیت این پرستاران به اقدامات امنیتی اهمیتی نمی دادند؛ اما این موارد استثنایی بود بخصوص آنها بی که قانون را تایید میکردند و یاکه پیرو قانون بودند؛ بحران ناشی از «کرونا» بیش از هر زمان دیگری نشان میدهد که انسانها اساساً همکاران فوق العاده یکدیگر هستند؛ همانطوری که قبلاً توسط طبیب مردمی بلژیکی داکتر **دیرک وان دوپین** (Dirk Van Duppen) و روزنامه نگار هلندی **روتگر برگمن** (Rutger Bergman) توضیح داده شده است **وندی کارلین** (Wendy Carlin) استاد اقتصاد این چنین میگوید (الگوی بازیگر اقتصادی بعنوان غیر اخلاقی و خودمحموردنهایت به روز (updated) رسانی میشود.

### نه به تکرار سال (2008)

تمام احزاب سنتی و قدیمی از جمله سبزها و سوسیالیست موکرات ها طی مدت (40) سال گذشته درگیر سیاست های نیولیبرالی و یا حداقل در حمایت از این سیاست بوده اند. حالآنکه عواقب این سیاست ضد اجتماعی در این ماههای اخیر به طرز دردناکی آشکار شده است؛ از اینکه وقایع و یا مواردی در حال کاهش؛ خصوصی سازی ها قطع و از بین رفتن مراقبت های صحی انسان ها چی در مراکز مراقبت های صحی وجه

مراقبت از بیماران در اقامتگاه‌ها و خانه‌ها را میتوان یاد دهانی کرد؛ افزون بر آن به نظر میرسد که دستورالعمل‌های نیولیبرالی برای ارایه پاسبانی محکم در مورد سقوط حالت اقتصادی کاملاً نامتناسب است.

در هر صورت، یک رویکرد مشابه با دوره پس از (2008) - پمپ کردن پول‌های اضافی به اقتصاد همراه با ریاضت اقتصادی - از این مسئله دور نیست. دویپنگ مالی جدید می‌تواند اقتصاد ضعیف شده را از بین ببرد. کاهش هزینه‌های جدید بیشتر باعث از بین رفتن قدرت خرید می‌شود و باعث ایجاد بحران عمیق اجتماعی و سیاسی می‌شود. ضرر، خصوصی‌سازی دستاوردها "نزدیک به یک دهه پیش". "بازگشت به ریاضت می‌تواند جنون باشد - دعوت به ناآرامی‌های گسترده اجتماعی، اگر نه انقلاب، و خدا دادی برای پوپولیست‌ها.

### فراخوان گسترده برای تغییر پارادایم (الگواره ای):

این خیلی روشن است که نئولیبرالیسم به پایان رسیده است، زمان آن است که چیز جدیدی پیش بیاید یا که جایگزین آن شود. به جز چند دیوار (سخت و مرگبار)، هیچ کس نمی‌خواهد قبل از «کرونا» به دنیا برگردد. بحران و پاسخ به آن موجب ناامیدی‌های بسیاری شده است و بخش مهمی از جمعیت فعال رادیکال کرده است. در آمریکا، (57) درصد از مردم بر این باورند که سیستم سیاسی آنها فقط برای خودی با پول و قدرت کار می‌کند. اکثر جوانان زیر سن سی سال از سوسیالیسم حمایت می‌کنند. در انگلستان، به سختی (6) درصد می‌خواهند به همان نوع اقتصادی که پیش از همه‌گیری وجود دارد، برگردند. تنها (17) درصد معتقدند که اقدامات محرک باید از طریق پس‌انداز جدید تأمین شود.

«70» درصد از فرانسوی‌ها احساس می‌کنند که برای کاهش نفوذ نیای مالی و سهامداران ضروری است. در فلاندر، سه چهارم جمعیت بر این باورند که پول باید از ثروت‌های بزرگ حاصل شود و دو سوم معتقدند که پس از بحران، سیاستمداران باید روی توزیع مجدد ثروت کار کنند.

دنیای پوهنتونی و فرهنگی نیز در همین طول موج قرار دارد. سه هزار دانشمند از «600» دانشگاه بر این باورند که جامعه باید اساساً مسیر خود را تغییر دهد و کارمندان را دوباره در مرکز تصمیم‌گیری قرار دهد. «200» هنرمند، از جمله رابرت **دنیرو** و **مادونا**، درخواست به "جهان" را برای بازگشت به "حالت عادی" زمان قبل از «کرونا» دادند، بلکه برای تغییر عمیق شیوه زندگی، مصرف و اقتصاد ما اقدام کردند. طبق گزارش فایننشال تایمز، "اصلاحات اساسی" باید روی میز گذاشته شود. دولت‌ها باید نقش فعال‌تری را در اقتصاد ببینند. آنها باید خدمات عمومی را به عنوان سرمایه

گذاری و نه به عنوان بدهی تلقی کنند و به دنبال راه‌هایی برای کاهش ناامن بودن بازار کار باشند. توزیع دوباره مجدداً در دستور کار قرار خواهد گرفت... سیاست‌هایی که اخیراً در نظر گرفته نشده‌های غیر عادی مانند مالیات بر درآمد اساسی و ثروت در دست خواهند بود. "به گفته این روزنامه، **دموکراسی لیبرال** تنها در صورتی که این تنظیمات در چارچوب یک قرارداد جدید اجتماعی انجام شود که رفاه اکثریت را بر اساس منافع افراد ممتاز تشخیص دهد، از این شوک بزرگ اقتصادی دوام خواهد آورد". امور خارجه نیز در مورد "قرارداد جدید اجتماعی" صحبت می‌کند. هدف از این کار "ایجاد یک کشور بهزیستی" است که اصول لازم برای حفظ کیفیت زندگی مناسب را در اختیار همه قرار می‌دهد. این فرضیه "دسترسی جهانی تضمین شده به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش با کیفیت بالا" است. آنچه تا همین اواخر به عنوان **ایدئولوژی افراطی چپ** گرایانه قلمداد می‌شد، اکنون به جریان اصلی تبدیل شده است.

## پاسخ به چهار بحران

چالش‌های پیش‌روی ما بسیار زیاد است: الگوی جدید باید برای پاسخ به حداقل چهار بحران مناسب باشد

### 1. بن بست اقتصادی

اقتصاد جهانی سه دهه گذشته سه بار بحران اساسی را تجربه کرده است: بحران دات کام «dotcom» در سال «2000»، بحران مالی در سال «2008» و در ماه‌های اخیر افسردگی به دنبال همه‌گیری «پاندمی». این به وضوح نشان می‌دهد که **کووید** علت نیست بلکه محرک طوفان اقتصادی است. یک اقتصاد سالم در اصل باید بتواند با شوک «**کرونا**» مقابله کند، کشوری مانند **چین** آن را اثبات می‌کند. اما به نظر نمی‌رسد که اصلاً این مورد برای اقتصاد سرمایه‌داری اتفاق بیفتد. رشد بهره‌وری تقریباً متوقف شده است، نرخ سود (درصد سود سرمایه سرمایه‌گذاری شده) به طور پیوسته رو به کاهش است و بدهی در سرتاسر جهان به (322 درصد ناپایدار تولید ناخالص داخلی رسیده است. علاوه بر این، هر بحران به معنای چیزی جز بدبختی برای میلیون‌ها نفر از مردم نیست. این بحران دوباره صدها میلیون نفر را به فقر سوق خواهد داد. این واقعاً نمی‌تواند ادامه یابد.

### 2. فاصله غافلگیرانه بین ثروتمندان و فقرا

در سرمایه‌داری، تولید فقط به دنبال دستیابی به سود گروه کوچکی از مالکان خصوصی است و نه بر نیاهای اجتماعی یا فرصت‌های توسعه اکثریت بزرگ. این

امر باعث ایجاد فاصله ظالمانه بین ثروتمندان و فقرا می‌شود. با ثروتی که امروز در سراسر جهان تولید می‌شود، هر خانواده‌ای با دویزرگسال و سه فرزند در سراسر جهان درآمد بالقوه یکبار مصرف ماهانه (4100) یورو دارند (شما این حق را می‌خوانید) [iv]. با این وجود یک نفر در سه جمعیت جهان هیچ سرویس بهداشتی اولیه‌ای ندارد و فقط یک نفر از هشت نفر به برق دسترسی دارد. یک از پنج نفر زندگی در یک زاغه (محل فقر نشین = slum) زندگی میکند و از سه نفر یک نفر آب قابل شرب ندارد.

در کشور من، بلژیک، (5) درصد از افراد ثروتمند و به اندازه 75 درصد فقیرترین افراد را دارد. در یکی از ثروتمندترین کشورها در جهان، (20) درصد خانواده‌ها در معرض فقر هستند، یک چهارم از خانواده‌ها به بسیا ر سختی برای خدمات صحی هزینه پرداخت میکنند (40) درصد از مردم فرصت پس انداز ندارند و (70) درصد بیکاران. تلاش برای رسیدن به اهداف.

اینها بیش از حد سیستم نیستند بلکه مستقیماً از منطق آن ناشی می‌شوند.

### 3. همه گیری های آینده

از ابتدای قرن گذشته، مامی دانیم که تقریباً همه بیماریهای جدید مدرن نتیجه مداخله انسان در محیط زیست محیطی فوری بشریت است. پستانداران و پرندگان حامل صدها هزار ویروس هستند که برای انسان قابل انتقال هستند.

در پاسخ به HIV (عامل مریضی ایدس)، سارس، ابولا، مرس و سایر ویروس‌ها متخصصان ارشد بیش از یک دهه هشدار داده اند. ممکن است ما خود را خوشبخت بدانیم که دیگر ویروس‌های کشنده‌ای به سر راه ما نرسیده اند. در سال (2018) دانشمندان در ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از بروز اینگونه بیماریها، نقشه مفصلی تهیه کرده اند. ضررهای ناشی از (Covid-19) ممکن است به حدود (12.500) میلیارد دلار برسد. هزینه طرح پیشگیری از سال (2018) به سختی (7) میلیارد دلار است.

هیچ سرمایه دار دیگری برای این پروژه پیدا نشده است. این نباید جای تعجب داشته باشد، زیرا این نوع تحقیقات عمدتاً خصوصی است و مربوط به منافع عمومی نیست بلکه درباره سود است. چامسکی خیلی تند گفت:

وی گفت: "آزمایشگاه‌ها در سراسر جهان می‌توانند درست پس از آن در زمینه محافظت از بیماری‌های ناشی از ویروس کوبد بالقوه محافظت کنند. چرا آنها این کار را نکردند؟ سیگنالهای بازار اشتباه بودند. شرکت‌های دارویی، ما سرنوشت خود را به استبدادهای خصوصی به نام بنگاههای اقتصادی واگذار کرده ایم که برای عموم غیر قابل توصیف است، در این مورد شرکت‌های ساخت دارویی (Big Pharma). و برای

آنها ساختن کرم های جدید بدن سودمند تر از پیدا کردن واکسنی است که مردم را از نابودی کامل محافظت می کند.

## 4- انحطاط آب و هوا

شکار برای کسب حداکثر سود؛ سیستم زیست محیطی زمین را تضعیف می کند و بقای گونه های (species) انسان را تهدید می کند. به گفته «**نعیمی کلین**»، نویسنده و فعال مشهور، جهان با انتخاب بی سرنوشت ساز روبرو است: یا سرمایه داری را نجات می دهیم یا آب و هوا را. این انتخاب در بخش انرژی فسیلی، مقصداً اصلی انتشار گازهای «CO2»، تیز و باریک است. (200) شرکت بزرگ نفت، گاز و ذغال سنگ دارای ارزش مشترک بازار (4000) میلیارد دلار هستند و سالانه دهها میلیارد سود کسب می کنند. اگر می خواهیم درجه حرارت را پایین تر از «2» درجه سانتیگراد نگه داریم، این غول های انرژی باید (60 تا 80) درصد از منابع خود را دست نخورده باقی بگذارند. اما این برای انتظارات درآمد مضر است و این باعث می شود بلافاصله ارزش بازار آنها رو به زوال باشد. بنابراین، آنها هنوز هم صدها میلیارد دلار سالانه در تلاش برای تهیه منابع جدید سرمایه گذاری می کنند. اگر سیاست های فعلی به کار خود ادامه دهد، تقاضا برای سوخت های فسیلی تقریباً «30» درصد در این مدت و بیست سال از یک کاهش شدید افزایش می یابد، بدون اینکه اوج به چشم بخورد. زمانی که در منطق سودگیر بيفتیم، نمی توانیم جلوی گرم شدن آب و هوا را بگیریم. به گفته اکونومیست، سخنگوی نخبگان اقتصادی جهانی، هزینه های مالی ترکیب گرم شدن کره زمین بسیار ساده است.

در پاسخ به بحران «کرونا»، دولت ها اقداماتی سابقه ای را انجام داده اند. برای مقابله با انحطاط آب و هوا باید اقدامات لازم انجام شود که حداقل به همان اندازه رادیکال باشد. روزنامه **فایننشال تایمز** نوشت: «اگر یک چیز نشان داده شده است که **همه گیر** وجود دارد، «خطر هشداری های کارشناسان نادیده گرفته شده است.»

## برای یک سیستم اجتماعی متفاوت مبارزه کنید

از این چهار بحران چه می توانیم یاد بگیریم؟ اینکه ما مجبور خواهیم بود به طور کامل در سیاست ها و اقتصاد خود تجدید نظر کنیم. برای شکستن بن بست اقتصادی کنونی، ابتدا نیاز به مهار بازارهای مالی و شکستن قدرت نامتناسب چند ملیتی است. برای مقابله با مسائل اجتماعی، اقتصاد دیگر نباید روی سودهای خصوصی افراد محدود و تمرکز کند، بلکه روی نیازهای اجتماعی بسیاری از مردم باشد. همچنین باید توزیع مجدد ثروت انجام شود. برای اینکه خود را در مقابل همه گیری های آینده قرار دهیم، صنعت داروسازی باید تغییر اساسی را در این زمینه اعمال کند. سرانجام، سیاست

اقلیم بسیا مهم است که به غول های انرژی و منطق سود آنها واگذار شود. باید قدرت همه جا نبه آنها شکسته شود تا جایی برای یک سیاست مسئولانه آب و هوا فراهم شود. برای دستیابی به همه اینها، ما باید حوزه اقتصادی را به حوزه سیاسی تسلیم کنیم. سرمایه گذاری و چه را سرمایه گذاری، توزیع مازاد اقتصادی، تجارت، پول و غیره در کجا سرمایه گذاری شده است، همه ما باید روی اولویت ها و نیازهای جامعه امروز و نسل های آینده تمرکز کنیم. این "برنامه ریزی" به هیچ وجه به معنای کنترل کامل دولت نیست، اما به این معنی است که اقتصاد توسط یک نهاد سیاسی منتخب و نه توسط صاحبان خصوصی کنترل می شود. این بدان معناست که منطق اقتصادی تابع دولت است و نه برعکس.

یک سیستم اجتماعی متفاوت یک هدف ضروری و فوری است، اما به خودی خود تحقق نخواهد یافت. ایده های صحیح مهم هستند اما برای ایجاد تغییرات کافی نیستند. سیستم فعلی توسط مانع غول پیکر پشتیبانی و هدایت می شود. کسانی که از این سیستم بهره مند می شوند هرگز داوطلبانه آن را رها نمی کنند و یا ما یل به سازش نیستند، حتی اگر سرمایه داران روشنفکر متقاعد شوند که چنین امتیازاتی برای حفظ نظام ضروری است انجمن های کارآفرینان حتی سعی می کنند از وضعیت بحران برای تحمیل استقاده کنند. یک استراتژی شوک آور.

به ما می آموزد که نوع جامعه و آینده ما به مبارزاتی که ما خواهیم پرداخت؛ بستگی دارد. همانطور که **ژان زیگلر**، جامعه شناس می گوید، "ما نباید خوش بین باشیم، باید بسیج شویم." البته برای ساختن یک بسیج قدرتمند، باید سازمان های قدرتمندی بسازیم، زیرا ما مخالفان ما به شدت خودشان را سازماندهی می کنند. یا همانطور که **واروفاکیس** اظهار داشت، "اگر اکنون نتوانیم در کنار هم باشیم... ترس من این است که این سیستم فقط منطق ظاهرمان را خود را تعمیق می بخشد." در هر صورت، این اوقات هیجان انگیز و تعیین کننده خواهد بود. آماده باشید.

----- **با تقدیم سلامها «2020-08-14»**

















